

چند سال پیش بود که یکی از برندهای معروف دنیا مجموعه‌ای تازه از لباس‌هایش را رونمایی کرد؛ مجموعه‌ای از لباس‌هایی با طراحی زیبا و کاملاً پوشیده‌ا! این اقدام این برند مشهور از سوی برخی برندهای دیگر هم پیگیری شد و جریان مد تازه‌ای را در دنیا رقم زد؛ جریان مدیست یا مد مربوط به لباس‌های پوشیده که ایران به عنوان یک کشور اسلامی هیچ جایگاهی در آن ندارد! جالب اینجاست که مشتریان مدیست تنها زنان مسلمان نیستند بلکه بسیاری از زنان غیرمسلمان دنیا هم به سمت استفاده از لباس‌های پوشیده روی آورده‌اند و این ظرفیتی عظیم را در حوزه مد و لباس کشور ایجاد کرده است؛ چرا که ما در حوزه مد و لباس از ذخایر فرهنگی غنی لباس اقوام برخورداریم. لباس‌هایی که ضمن برخورداری از پوشیدگی مناسب، رنگین‌کمانی از طرح و رنگ را هم ارائه می‌دهند و می‌توانند بخشی از بازار لباس پوشیده دنیا را پوشش دهند و در عین حال فرهنگ و

زنان

سرویس اجتماعی۰۰۸۴۹۸۴۴

گفت‌وگوی «جوان» با دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس

جای ایران در جریان «لباس پوشیده» دنیا خالی است

اندیشه ایرانی اسلامی را هم به طرفداران اینگونه لباس‌ها ارائه دهند. به بیان دیگر مد و لباس ایرانی با عنایت به ظرفیت لباس اقوام نه فقط می‌تواند در ایجاد اقتصادی برای کشور ارز آوری داشته باشد بلکه از منظر فرهنگی نیز یکی از ابزارهایی است که می‌توانیم برای صدور فرهنگ و ساختار فکری ایرانی –اسلامی از آن بهره بگیریم، اما کم‌کاری و غفلت از این حوزه موجب شده تا ایران به عرصه‌ای برای جوان لباس و فرهنگ غیر ایرانی تبدیل شود و نه فقط نوانسنت‌ایم در حوزه مد و لباس دنیا جایی برای خودمان باز کنیم بلکه در تولید مد و لباس داخلی هم با چالش مواجه شده‌ایم. جالب اینجاست که در این حوزه هم اغلب نا کاستی‌ها گردن «مافیا» می‌افتد؛ برگزاری نهمین دوره جشنواره مد و لباس بهانه‌ای شد تا به سراغ عرضه شفاپور، دبیر تازه‌نفس کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور برویم و با وی درباره چالش‌های حوزه مد و لباس به گفت‌وگو بنشینیم.

د

اساس پوشاک و لباس مبتنی بر پارچه است و جایگاه طراحی در تولید لباس بسیار اهمیت دارد. کارخانه‌های پارچه با تولید انبوه می‌توانند در حوزه لباس بسیار تأثیرگذار باشند. لباس‌هایی با تم‌های سنتی اغلب بسیار گران هستند و ممکن است با جیب من و شما همخوانی نداشته باشد. دلیل این گرانی هم این است که پارچه گرانی به دستشان می‌رسد. این بخش از ماجرا به وزارت صمت بازمی‌گردد. اگر این وزار نتخانه بتواند پارچه و ملزومات کار را ارزان تر به دست طراحان ما برساند، طرحی که تولید می‌شود ارزان تر خواهد بود

اقوام است. در مقابل ما با پوشاکی مواجهیم که در سطح خیابان و با قیمت‌های ارزانی عرضه می‌شود؛ مانتوهای جلو باز و شلوار های ساپورت نمونه‌ای از این پوشاک است. برای آنکه بتوانید در رقابت با پوشش‌های نامناسب ولی ارزان موفق شوید چه برنامه‌ای دارید؟

اساس پوشاک و لباس مبتنی بر پارچه است و جایگاه طراحی در تولید لباس بسیار اهمیت دارد. کارخانه‌های پارچه با تولید انبوه می‌توانند در حوزه‌لباس بسیار تأثیرگذار باشند. همانطور که گفتید لباس‌هایی با تم‌های سنتی اغلب بسیار گران هستند و ممکن است با جیب من و شما همخوانی نداشته باشد. دلیل این گرانی هم این است که پارچه گرانی به دستشان می‌رسد. این بخش از ماجرا به وزارت صمت بازمی‌گردد. اگر این وزارت‌تخانه بتواند پارچه و ملزومات کار را ارزان تر به دست طراحان ما برساند، طرحی که تولید می‌شود ارزان تر خواهد بود. یکی از راهکارها برای ارزان تر شدن تولیدهایی حذف واسطه‌هاست. در واقع هر قدر که واسطه‌های بیشتر بین کارخانه و طراح و تولیدکننده قرار بگیرد هزینه‌های تولید بالاتر خواهد رفت. کم شدن واسطه‌ها، دریافت کمک‌های دولتی و کم شدن مالیات‌های می‌تواند کمک کند تا طرح‌های خوب ارزان تر تولید شده و ارزان تر به دست مصرف کننده برسد. این یک چرخه‌ای است که به وزارت صمت بازمی‌گردد. همچنین اتحادیه پوشاک و صنوف می‌توانند کمک حال طراحان ما باشند تا طرح‌هایشان را با نرخ کمتری در اختیار مصرف کننده وارد دهند. خود طراحان هم به دنبال این هستند که آنچه تولید می‌کنند به دست مصرف کننده برسد و مصرف کنندگان بتوانند آن را تهیه کنند، اما برای این کار نیاز به همراهی دولت است.

در بحث پوشاک ارزانقیمت این چنینی و همینطور چادر مشکی یکی از موضوعاتی که مطرح می‌شود فعالیت مافیاست؛ شما این مافیا را قبول دارید؟

قطعاً اگر این مافیا وجود نداشته باشد که مطمئن باشید چه چادر مشکی چه پوشاک وقتی به دست مصرف کننده می‌رسد با قیمتی بسیار پایین‌تر از قیمت کنونی خواهد بود. البته کارهای خوبی در حوزه مبارزه با قاچاق پوشاک صورت گرفته است که به‌شدت از تولیدکننده داخلی حمایت می‌کند. وقتی کالای قاچاق از مبادی مختلف وارد کشور می‌شود با نرخ پایین‌تری در اختیار توزیع کنندگان قرار می‌گیرد و سودآوری بیشتری برای آنها دارد.

مافیای لباس و چادر مشکی چه کسانی هستند؟

این را باید از صنوف و اداره کل قاچاق ارز سؤال کنید. ما در چارچوب قانون وظیفه ساماندهی محتوای فرهنگی طراحان مد و لباس را بر عهده داریم.

اما می‌پذیرید که مافیا در عرصه مد و لباس وجود دارد؟

بله وجود دارد، اما خوب باید مدیریت شود.

برخی معتقدند مافیایی وجود ندارد و درواقع ما با سوءمدیریت‌ها در عرصه مد و لباس مواجهیم اما برخی هم معتقدند مافیایی وجود دارد که موجب شده تا اوضاع مد و لباس به شرایط کنونی دچار شود؛ نظر شما چیست؟

من در طول این مدتی که به کارگروه ساماندهی مد و لباس آمده‌ام در جلسات مختلفی که با طراحان و صنوف داشته‌ام همه به نوعی به این مافیا اشاره می‌کنند. حالا این مافیاچه کسانی هستند را من هم تاکنون متوجه نشده‌ام، اما به لحاظ عقلی هم که در نظر بگیریم وقتی پوشاکی با نرخ پایین و بدون در نظر گرفتن سلیقه فرهنگی جامعه ایرانی –اسلامی وارد کشور می‌شود و با نرخ ارزانی هم در دسترس مردم قرار می‌گیرد مطمئن باشید یک همه فرهنگ‌ی است. این در حالی است که خود کشور‌های غربی به سمت پوشش و لباس‌های پوشیده می‌روند. اگر ما از طراحان خودمان حمایت کنیم، مطمئن باشید ما در عرصه مد و پوشاک حرف‌های زیادی برای گفتن داریم.



زهرا چیدری

است پرداختن به بخش بین‌الملل است و در همین زمینه جلساتی را با سازمان‌ها و نهادهای عرصه بین‌الملل داشته‌ایم و نامه‌هایی هم رد و بدل شده تا ارتباط کاری برقرار شود تا بتوانیم در رویدادهای مد و لباس در خارج از ایران در کشور‌های مسلمان و کشور‌های خلیج فارس که قربات فرهنگی و دینی بیشتری با ما دارند، شرکت کنیم. ما برندهایی را داریم که اگر در کشور‌های اسلامی و حتی غیراسلامی حضور یابند آنچنان ظرفیتی دارند که قطعاً با استقبال زیاد مواجه می‌شوند. من خودم یک خانم هستم و دوست دارم لباس‌هایی پوشیده و با تنوع رنگ و مدل‌های زیبا داشته باشم و این ظرفیت را در بین برخی تولیدکنندگان لباس داخلی می‌بینم. اگر ما به سمت معرفی این برندها در سطح داخلی و بین‌المللی برویم ارزآوری بالایی برای کشور دارد.

برای تعامل بیشتر با سایر کشور‌های مسلمان دنیا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی در معرفی توان ایران در طراحی و تولید لباس پوشیده و استفاده از ظرفیت دیگر کشور‌ها چه برنامه‌هایی را در دستور کار دارید؟

ما تعاملات زیادی را با حوزه‌های بین‌المللی انجام دادیم تا هم بتوانیم فعالان عرصه مد را در رویدادهای بین‌المللی مد و لباس در کشور‌های دیگر شرکت دهیم و هم از فعالان مد و لباس دیگر کشور‌ها برای حضور در جشنواره‌های ایران دعوت کنیم. به طور مثال در نهمین جشنواره مد و لباس فجر بخش بین‌الملل پررنگ بود و این باعث ارتباط بین طراحان و تولیدکنندگان در سطح بین‌الملل می‌شود. به نظر من هم در حوزه بین‌الملل ضعف وجود داشته اما با پیگیری و همکاری بخش‌های بین‌الملل می‌توانیم این ضعف را برطرف کنیم. در همین راستا پیگیری امضای تفاهنامه‌ای با استان قدس هستیم که بتوانیم از ظرفیت استان قدس هم در بخش بین‌الملل استفاده کنیم. فعال کردن این بخش علاوه بر



د

وقتی پوشاکی با نرخ پایین و بدون در نظر گرفتن سلیقه فرهنگی جامعه ایرانی –اسلامی وارد کشور می‌شود و با نرخ ارزانی هم در دسترس مردم قرار می‌گیرد مطمئن باشید یک همه فرهنگ در پس این جریان وجود دارد و نرخ پایین این کالاها هم برای آن است تا ما را از هویت فرهنگی ایرانی –اسلامی مان دور کند

خانم شفاپور! قانون ساماندهی مد و لباس مصوب سال ۱۳۸۵ است و هم‌اکنون نهمین دوره جشنواره مد و لباس فجر برگزار می‌شود. با وجود این اگر به سطح جامعه برویم و تحلیلی از پوشش مردم داشته باشیم درمی‌یابیم که در حوزه مد و لباس چندان توفیقی نداشته‌یم و نبض جریان مد در کشور ما همچنان در دست مژون‌های زیرزمینی و مدهای غیر وطنی است. شما به عنوان سومین کسی که بر جایگاه دبیر ستاد ساماندهی مد و لباس تکیه می‌زند دلیل این عدم موفقیت را چه می‌دانید؟

اگرچه کار‌های زیادی در این عرصه انجام شده اما به دلایل مختلف ما نتوانسته‌ایم در این حوزه انتظارات را پاسخگو باشیم و به موفقیت صددرصد دست یابیم. درست است که مسئولیت کارگروه ساماندهی مد و لباس بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد گذاشته شده اما در ذیل کمیته ساماندهی مد و لباس اعضای وجود دارند که هر کدام شرح وظایفی برایشان در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال آموزش و پرورش، صداوسیما، بازارگانی، صنایع و معادن، وزارت صمت، دو نفر از طراحان و تولیدکنندگان و یک نفر ناظر از کمیسیون فرهنگی مجلس اعضای این کمیته هستند و مصوبات کمیته با امضای وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قابل اجراست. خیلی از اعضای کمیته حضور نداشتند و این موجب شده تا به نتیجه دلخواه نرسیم. به طور مثال صداوسیما طبق این قانون مکلف است در جهت ترویج الگوها و نمادهای پارچه‌ها و لباس‌های بومی مناطق مختلف ایران که مورد تأیید کارگروه است اهتمام بورزد و آنها را معرفی کند اما در این بخش کمرنگ عمل شده یا نظارتی که وزارت صمت باید بر تولیدکنندگان داشته باشد به شکل کاملی انجام نمی‌شود یا اگر انجام می‌شود، نمود کمتری دارد. همه اینها دست‌به‌دست هم می‌دهد ما می‌توانیم به اهداف مشخص شده برسیم و اگر یکی از این اعضا به‌درستی کارش را انجام ندهد روی خروجی نهایی کار تأثیر خواهد گذاشت.

بنا بود ایران در جایگاه‌ام‌القرای جهان اسلام جریان مد و لباس اسلامی را هم در دست بگیرد. در این زمینه در سطح بین‌المللی هیچ حرفی برای گفتن نداریم و در عمل ما مصرف‌کننده مدهای اسلامی و غیر اسلامی سایر کشور‌های جهان هستیم. نمونه‌اش همین چادر‌های عربی که بسیاری از خانم‌های محجبه ما می‌کنند. این در حالی است که هم‌اکنون در تمام دنیا برندهای معروفی همچون دلوجه و گایانا به تولید لباس پوشیده روی آورده‌اند و حتی موج‌های تازه جریان‌های فمنیستی همچون موج چهارم تر جیح می‌دهند لباس پوشیده بیوشند. این مسئله از یک سو برای ما ظرفیتی عظیم فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد مد و لباس اسلامی می‌تواند بازاری جهانی داشته باشد و از سوی دیگر ضعف ما و خلأ موجود را بیشتر به چشم می‌آورد؛ خلائی که برندهای مشهور سعی دارند آن را پر کنند. از نگاه شما چه زمانی ما هم می‌توانیم در دنیا سهمی از بازار لباس پوشیده را دریافت کنیم؟

با شما موافقم که در بحث پوشش کشور‌های دیگر از ما جلوتر رفته‌اند به همین خاطر هم یکی از برنامه‌های من در حوزه مد و لباس فعال کردن بخش بین‌الملل است. ما باید برای تحقق اصول و سیاست‌های کلان فرهنگی هنری جمهوری اسلامی ایران در حوزه مد و لباس فعال‌تر باشیم و چارچوب‌ها و استانداردهای مد و لباس را شناسایی، تدوین و تصویب کنیم. همچنین برای اعتلای هنر و صنعت مد و لباس و سلیقه و فرهنگ ایرانی در سطح جامعه باید خیلی کار و تلاش کرد. یکی از مواردی که برای من خیلی مهم

پوشش

محمد نیک‌ضمیر

چالش پوشش!

امسال نهمین سالی است که جشنواره مد لباس فجر برگزار می‌شود؛ جشنواره‌ای که قاعدتاً باید توانسته باشد در طول این ۹ سال لااقل به بخشی از نیاز جامعه در حوزه مد و لباس پاسخ داده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده است و با نگاهی به پوشش بانوان و آقایان در سطح جامعه می‌توان متوجه شد همچنان جریان مد کشور از آن سوی آب‌ها هدایت می‌شود. این بدین معناست که یا برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای مد در کشورمان کارایی و خروجی مناسبی ندارد یا عا می‌برای تجاری‌سازی خروجی این جشنواره‌ها وجود ندارد و این مسئله موجب شده تا با شلختگی فرهنگی در حوزه مد و لباس مواجه باشیم. این شلختگی اگرچه در لباس آقایان هم دیده می‌شود اما ارتباط ویژه لباس و پوشش با حجاب و عفاف مد و لباس را در حوزه بانوان بسیار بااهمیت‌تر جلوه می‌دهد.

به بیان دیگر به طور یقین اگر مدهای مناسبی در حوزه لباس و پوشش زنانه ارائه داده شود می‌تواند در اقبال و گرایش زنان به سمت حجاب و عفاف هم تأثیرگذار باشد و طیف‌های گسترده‌تری از خانم‌ها را به سمت و سوی حجاب سوق دهد. پس اگر می‌بینیم که امروز برخی زنان و دختران جوان از پوشش مناسبی برخوردار نیستند بخشی از ماجرا به فقدان یک جریان مد سالم و متناسب با فرهنگ و مبنای ایرانی اسلامی بازمی‌گردد که موجب شده تا در حوزه عفاف و حجاب با چنین شرایطی مواجه باشیم. راه‌اندازی یک جریان سلامت و منطبق با مبنای فرهنگ بومی و اسلامی موضوعی است که مورد تأیید رهبر معظم انقلاب نیز هست. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان فرموده‌اند: «من با مد موافقم، اما مدی که از داخل برخاسته باشد.»

اما در عمل شاهد چنین جریانی نیستیم و حتی جریان مد لباس پوشیده در ایران، به سمت و سوی پوشش‌های غیرایرانی رفته است به گونه‌ای که امروز بسیاری از خانم‌های چادری ما از مدل چادرهای غیرایرانی استفاده می‌کنند و انواع چادرهای عربی، اماراتی، کویتی و امثال آن از مدل‌های پر فروش چادر است که از سوی بانوان ایرانی مورد استقبال قرار گرفته است.

این در حالی است که لباس اقوام ایرانی ظرفیت بالقوه‌ای برای تولید السه باکیفیت و با طراحی‌های کاربردی و پوشیده در اختیار طراحان قرار می‌دهد. این مهم مستلزم آن است که در دانشگاه‌های ما درباره فرهنگ بومی و ملی اقوام مختلف و همچنین لباس‌های آنان اطلاعات کافی در اختیار دانش‌جویان حوزه طراحی لباس قرار داده شود. همچنین باید این آموزش با آموزش‌های مردم‌شناسی و روان‌شناسی همراه گردد تا بتواند ذائقه مردم را شناسایی کرد و در نهایت با شناسایی این ذائقه پوششی در راستای طراحی لباس‌های مناسب و ذائقه‌سازی برای استقبال از این طرح‌ها اقدام کنند.

اما وقتی به خروجی کار نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم با چنین سناز و کار‌هایی وجود ندارد یا موانع دیگری بر سر راه است که موجب شده با وجود ۹ سال برگزاری جشنواره مد و لباس فجر و افزوده شدن رشته‌های دانشگاهی در حوزه طراحی مد و لباس راه به جایی نبریم و پوشش در جامعه ما همچنان به عنوان یک چالش مطرح باشد؛ چالشی که موجب شده در حوزه‌های فرهنگی همچون حجاب و عفاف هم به مشکل برخوردیم و چندان موفق نباشیم.

حالا جشنواره نهم در حال برگزاری است؛ جشنواره‌ای که با جشنواره‌های قبلی یک فرق مهم و اساسی دارد و آن هم تغییر مدیریت این جشنواره و حضور یک زن در رأس کارگروه ساماندهی مد و لباس است. مرضیه شفاپور دبیر تازه‌نفس کارگروه البته سابقه چندان‌دی در حوزه مد و لباس ندارد و در عمل یکی از اعضای تیم سابق مد و لباس وزارت ارشاد به شمار می‌رود. بنابراین شاید نتوان اسامال تغییر چندان‌دی در رویکرد جشنواره را انتظار داشت، اما شاید هم به خاطر غلبه زنان حوزه مد و لباس حضور یک زن در رأس این تشکیلات بتواند تغییر مثبتی در خروجی کار ایجاد کند. به هر حال قضاوت درباره جشنواره نهم را به ایام بعد از برگزاری جشنواره و خروجی‌های آن موکول می‌کنیم.

روایتی از بغض‌های شکسته

با تعرض همه جانبه دشمن به شهرهای مرزی، به موازات حضور مسردان در جبهه‌ها، بانوان غیر تمند، متعصب و شجاع این شهرها نیز مقاومت در برابر دشمن بی‌رحم و وحشی‌خوی را که از سمت تمام کشور‌های استکباری حمایت می‌شدند و در دوران واجب دادستان‌ها و قاضیان محلات ناآمن‌تر دانه در کوران به‌پاخاسته و مال، جان، فرزند

و همسر خود را نیز دریغ ننمودند.

گاهی به صورت مستقیم تعدادی از بانوان در خطوط مقدم جبهه‌ها، امداد و رساندن مهمات و غذا به رزمندگان بود و گاهی در قالب پشتیبانی با راه‌اندازی ستادهای امداد، درمان و جمع‌آوری کمک‌های مردمی در مساجد و مدارس و محلات و… خود را نشان می‌داد.

در استان آذربایجان غربی نیز نقش زنان بسیار برجسته و تعیین کننده بود. با اینکه در پیروزی انقلاب اسلامی و در دوران دفاع مقدس و سایر مراحل پرفراز و نشیب انقلاب، سختی‌ها، رنج‌ها و مرارت‌های بیشتری را متحمل شدند، ولی پای آرمان‌های خود ایستاده و از آن دفاع کردند. این کتاب در تلاش است تا همت بانوان استان آذربایجان غربی را در سنگر دوم نبرد نشان دهد.

رقیه گوزلی در کتاب بغض‌های شکسته، خاطرات زنان پشتیبانی کننده از جبهه در استان آذربایجان غربی را به رشته تحریر در آورده است.

در بخشی از کتاب بغض‌های شکسته می‌خوانیم:

دو هفته یک بار نیز با دو مینی‌بوس از خواهران برای بازدید و دلگرمی دادن به رزمندگان به مناطق پیرانشهر، سیلوانا، سره، سردشت و… می‌رفتیم و مستقیماً از آنها می‌پرسیدیم که چه چیزهایی لازم دارند تا برایشان آماده کنیم. پسریم که در جبهه‌های جنوب حضور داشت می‌گفت: مادر، سیب‌های باغات آقای حسنی تا جبهه‌های جنوب هم رسیده است.

ما در زمان بحران هم، خانه خودمان را ترک نکردیم. پشت خانه ما سالن بزرگی را احداث کردند تا فعالیت‌های ستاد را در آنجا ادامه دهیم. من علاوه بر مدیریت خانه، مدیریت آنجا را نیز بر عهده داشتیم. در کنار آن ستاد پشتیبانی پناهگاهی نیز برای کارکنان ساختند، ولی خیلی‌ها وقتی صدای آژیر را هم می‌شنیدند دست از کارشان نمی‌کشیدند، چه پرسد به این‌که به پناهگاه هم بروند. آقای حسنی هر روز ۷۰۰ کیلو شیر از دامپارک‌شان برای ما می‌فرستادند. ما هم از شیر، ماست و پنیر درست می‌کردیم و به مناطق می‌فرستادیم. خیلی وقت‌ها در تئورهای کوچکی که در خانه داشتیم نان هم می‌پختیم و به جبهه‌ها ارسال می‌کردیم.

در طول جنگ با سایر خواهران به ملاقات مجروحین در بیمارستان‌های ارتش، سپاه و شهید سغسگی که مدرسه بود و بیمارستان موقتی شده بود، می‌رفتیم. وقتی خبردار می‌شدیم که مجروح آورده‌اند، خودمان را سریع به بیمارستان می‌رساندیم.